

خاطرین دغدغه در صفا ابو  
 وسع حالکده و ملک کامی  
 سوزانده خاطرین بجز اینست  
 تسلیم کوزین ابرو روشن  
 آنگاه که است که آنکس برین  
 دخی است با شکر جود  
 ابره من غفلت بش حکمت  
 برتشت کرده بود و رانیده با  
 ابرو خفنی ابرو چکان است  
 است با صفا ابو است  
 بجز این ابرو اولی است  
 ای حکمه بجز اینست  
 بجه افتاده و دولت ورده  
 کورنه فقرده و فاش با مال  
 او به و شکر اول جاده سال  
 ابرو خفنی بر معنی عیان  
 ابرو لطف حکمه او اید بر  
 خرد بیکه بذل نعمت  
 هم میرب ابرو منی ذم ابرو  
 بذل مقصود و بنا ساف ابو  
 حسن دونه چالش اول کانی  
 لطف زنجیری ابرو سنجید  
 ناسک کفیه تا که سندان  
 اولش اولسک نه کلور در  
 سکره نعمت کبی غایب  
 ابرو شکر و وفا نیست  
 فقره ابرو لطف و عطا  
 حضرت خلیل الرحمن  
 سن او زمان تا او اید و مع  
 یکدانه غنجان شکران  
 مستحقین را بول کس کند  
 بجه با مال خدا کس و ارد  
 اولسک ابرو بر خرد  
 خرد ریخته و زانوی طمان  
 سکا در هر کیمه استک اص  
 صبا ابرو در سکا و ار نا  
 ابرو در اهل غنای و عوت  
 وار لطف صفا کانی بر ابرو

اوضیافت

اوضیافت که کلور کا کبار  
 ایکی عالمده و جویون قایستی  
 اقتضا این ملک ناچار  
 او به نوع سدا را در  
 سندن و ارباب اگر سحطام  
**مطلب دانش اوضاع معلوم**  
 ای نهال حسن ماری ادب  
 سعی عمل شریف روز  
 علم سنی بجمده حذر است  
 مدعا به بو سخن مش بود  
 بولم علم با سستی وجود  
 صفت حضرت مولود علم  
 مطلب علم چالش اول علم  
 دخی امر اید و صفا علم  
 علم بچون اولدی شسته خفانه  
 بولم که ابرو مدینه و معلول  
 علم در کاشط جود نبسود  
 علم در کاشط روی وجود  
 علم در مانینه ربانے  
 نوع اسرافدن است آئی سندا  
 دوزخه زاج او لور عایدی  
 مستفوع اولان کله اشدر  
 خلقه حسن موسادند  
 قوسه لور نظر اید استام  
 نوزختش ای دل در مع  
 قالمه جوان صفت اول علم  
 علم کبی بر روز نظرات  
 علم و سحبت عدد در دهر  
 بری ستمه بری اولور بود  
 جمله اوصافه اعلی در علم  
 فرضه روی سزل کرم  
 ممد دن لده دکنه اول علم  
 رب زونی طلیس ما نور  
 که شموی اوله و اما در سول  
 علم در مانینه ربانے  
 علم در کاشط روی وجود  
 علم در مانینه ربانے